

## بررسی نقش بانک‌ها در توسعه اقتصادی و اجتماعی

سید باقر حسینی نژاد ماه خاتونی<sup>۱</sup> و علی محسنی مشتقین<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران

<sup>۲</sup> استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران

### چکیده

سرمایه‌گذاری نقش تعیین کننده‌ای در رشد اقتصادی دارد. یکی از اهداف اساسی کشورها دستیابی به توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌باشد. در ادبیات اقتصادی سرمایه به منزله رگ حیات یک نظام اقتصادی تلقی شده و بر تشکیل آن به عنوان مهمترین عامل تعیین کننده رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی تأکید زیادی شده است. میزان رشد و توسعه اقتصادی در گرو انباشت و بهره‌وری اقتصاد است و این دو به چگونگی فرآیند سرمایه‌گذاری بستگی دارد. در زمینه رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی به مؤسسات پولی و اعتباری و بانک‌ها که ارکان اصلی بازارهای مالی هستند، می‌توان اشاره کرد که بانک‌ها نقش به‌سزایی را در تأمین سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی دارند. از آنجایی که در اقتصاد وظیفه تجهیز و تخصیص منابع مالی بر عهده بانک‌ها قرار دارد، لذا نقش بانک‌ها برای توسعه اقتصادی و اجتماعی در هر جامعه‌ای انکارناپذیر است. با توجه به نقش و اهمیت این دو رکن اصلی بانک‌ها، بررسی نقش آنها از نظر اقتصادی و اجتماعی می‌تواند مسایل مبهم بسیاری را از منظر اقتصاد کلان برای تحلیل‌گران روشن کند تا در حل مشکلات کشور و تأمین منابع بیشتر برای سرمایه‌گذاری و تخصیص بهینه منابع مورد استفاده قرار گیرد. تحقیق حاضر به روش اسنادی به تحلیل و بررسی ضرورت بررسی نقش بانک‌ها در کشور جهت رونق بیشتر بازار سرمایه و به تبع آن چرخه فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی، بانک.

## مقدمه

نظام مالی یک کشور مجموعه ای از بنگاه ها، بازارها، قوانین و مقررات و تکنیک هایی است که در آن اوراق قرضه، سهام و سایر اوراق بهادار معامله می شوند و بدین گونه در سراسر دنیا گسترش یافته اند. شبکه بانکی، بورس اوراق بهادار، مؤسسات بیمه، شرکت های سرمایه گذاری، مؤسسات مالی - اعتباری و نهاد های مشابه، در مجموع سازمان هایی هستند که بخش مالی اقتصاد کشور را تشکیل می دهند. بخش مالی به مجموعه ای از نهادها و سازمان هایی گفته می شود که عمدتاً به تجهیز منابع و تخصیص اعتبار می پردازند (شیخزاده و سلطانی، ۱۳۸۵).

پیشرفتهای سالیان اخیر در زمینه های علوم و فنون بالاخص در نظام مالی و نهادهای پولی و مالی، تحول عظیمی را بنیان نهاده و منشأ دگرگونی در نگرش ها و رفتار افراد نسبت به محیط اقتصادی و نهادهای مربوط به آن شده است. سیستم مالی یکی از مهمترین اجزای هر اقتصاد محسوب می شود. سیستم مالی شامل شبکه ای از بازارهای مالی، مؤسسات، شرکت های تجاری، خانوارها و دولت می باشد که در آن سیستم مشارکت داشته و عملیات آن سیستم را تنظیم می کنند. مؤسسات مالی و پولی به عنوان واسطه گران این چرخه به آحاد مردم و شرکت ها و مؤسسات دولتی و غیردولتی خدمات ارائه می دهند. بانک ها در اداره کشورها نقش تعیین کننده ای دارند و از مهمترین ابزار رشد و توسعه کشورها محسوب می شوند. بطور کلی بانک ها با جذب نقدینگی و اعطای تسهیلات می توانند در رشد و توسعه اقتصادی کشور و تحقق اهداف چشم انداز و برنامه پنج ساله دولت نقش مؤثری را ایفا نمایند (سعیدی، ۱۳۸۸).

دستیابی به توسعه اقتصادی از جمله مهمترین اهداف کشورها می باشد و اکثر دولتمردان تلاش می کنند که شرایط مناسبی را برای رسیدن به رشد اقتصادی فراهم آورند. برای دستیابی به این هدف، شناخت عوامل تأثیرگذار بر توسعه اقتصادی بسیار لازم و ضروری می باشد. به همین دلیل یکی از موضوعات مورد بحث در میان اقتصاددانان بررسی این مسأله است که چه عواملی بر توسعه اقتصادی اثر می گذارد. با توجه به نقش و اهمیت بانک ها در این پژوهش به بررسی نقش بانک ها در رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور پرداخته می شود.

## ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق

### بانک و تأثیر آن بر رشد و توسعه اقتصادی

اقتصاددانان در مورد اهمیت بانک ها در توسعه اقتصادی، نظرات متفاوتی دارند. جان هیکس (۱۹۶۹) معتقد است که سیستم مالی از طریق تجهیز سرمایه برای طرح های بزرگ، در آغاز انقلاب صنعتی نقش حیاتی را داشته است. جوزف شومپیتر (۱۹۱۲) اظهار می دارد که بانک های خوب، با شناسایی و تأمین مالی کارفرمایانی که بیشترین شانس برای تولید محصولات جدید و یا اجرای طرح های ابتکاری دارند، موجب تقویت نوآوری های تکنولوژیکی می شوند. روبرت لوکاس (۱۹۸۸) معتقد است که اقتصاددانان بیش از اندازه بر نقش عناصر مالی در رشد اقتصادی تأکید دارند (احسانی، ۱۳۸۳).  
کارکردهای مهم اقتصادی بازارهای مالی عبارتند از (حسینی، ۱۳۸۷):

- تجهیز بیشتر پس انداز
- تخصیص بهینه سرمایه
- انتقال وجوه مازاد خانوارهای علاقمند به سرمایه گذاری به افراد یا مؤسسات نیازمند به وجوه
- افزایش نقدینگی و کاهش ریسک مربوط به آن
- ایجاد شرایط برای مدیریت ریسک
- کمک به فرآیند کشف قیمت ها

### نقش توسعه سیستم مالی و بانکی در بخش واقعی اقتصاد

بر اساس مطالعات اولیه افرادی چون شومپیتر مشخص شد که توسعه مالی باعث رشد اقتصادی می شود. شومپیتر توضیح داد که نوآوری های تکنولوژیک نیرو محرکه رشد اقتصادی بلند مدت است و دلیل اصلی نوآوری، توان بخش مالی ای است که بتواند منابع مالی لازم را در اختیار کار آفرین قرار دهد. البته افرادی چون رابینسون هم بودند که در طرف مقابل قرار می گرفتند، و

معتقد بودند که رشد اقتصادی، برای انواع مختلف خدمات مالی تقاضا ایجاد می کند، و در واقع رشد سیستم مالی، پاسخی است که سیستم مالی به این تقاضا می دهد. به بیان دیگر، هر جا که بنگاه اقتصاد برود، «مالی» آن را دنبال می کند. اکنون همه می پذیرند که بازارهای مالی (مجموع بازارهای پول و سرمایه) استوار و با ثبات، نقش در جه اولی در توسعه اقتصادی دارد. برای توضیح این رابطه، موارد زیر را می توان عنوان نمود:

۱. بازار سهام توسعه یافته به معنای نقدینگی و نقد شوندگی بیشتر است، و این، هزینه سرمایه (اعم از خارجی و داخلی) را که برای سرمایه گذاری حیاتی است، کاهش می دهد. در کشورهای در حال توسعه ای که پس انداز داخلی کافی نداشته باشند، وجود بازار سهام توسعه یافته، هزینه سرمایه ی خارجی را به شدت کاهش می دهد.
  ۲. نقش بازار سهام در ایجاد انگیزه برای مدیران بنگاه های اقتصادی با طراحی شیوه های مناسب جبران خدمات مدیران از قبیل اختیار خرید سهام توسط آنان پراهمیت است. این چنین طرح های پرداخت پاداش به مدیران، منافع مدیر و بنگاه را بیشتر با یکدیگر منطبق می کند، و مدیری که سهام شرکت خود را به عنوان جبران خدمات خود می گیرد، تصمیماتی اتخاذ می کند که منافع آن فراتر از عمر مدیریتی او می رود، چرا که منافع مدیر نیز به بلند مدت شرکت مربوط می شود. اگر در سالهای دورتر هم شرکت سود کند، مدیر از طریق سهام خود منتفع می شود.
  ۳. بازار سرمایه به سرمایه گذارانی که دچار مشکل نقدینگی می شوند، این امکان را می دهد که سرمایه گذاری های خود را با سایر پس انداز کنندگان بازار مبادله کنند؛ آنانی که فعلاً به پول خود نیاز ندارند و با شوک نقدینگی مواجه نیستند و علاقمندند که سهم ثروت خود را بالا ببرند و دارائی هائی را بخرند که نرخ بازده بالاتر ایجاد کند، می توانند جای سرمایه گذاران نیازمند به وجوه سرمایه گذاری شده را بگیرند. بنابراین، بازار سرمایه با ایجاد نقدینگی در خدمت افزایش سرمایه گذاری است. در این مورد، پس انداز کنندگان سهامی را که دارند می توانند در هر زمان به نقدینگی تبدیل کنند، و شرکت ها، سرمایه هائی را که دارند و از طریق صدور سهام گردآوری کرده اند، نگاه می دارند. از طریق بازار سهام است که شرکت ها می توانند سرمایه ای را که دارند جمع آوری کنند و پس انداز کنندگان به پس اندازهای خودشان در هر زمان دسترسی بیابند، چرا که بازار ثانویه ای وجود دارد که در آن امکان نقد شوندگی وجود دارد (عبده تبریزی، ۱۳۸۳).
- تمامی موارد بالا تنها بخشی نتایج تجربی و مطالعات انجام شده است که همگی نشان دهنده رابطه مثبت بین توسعه سیستم مالی و بانکی و توسعه اقتصادی می باشد (نظیفی، ۱۳۸۳).

### ویژگی های یک سیستم مالی و بانکی خوب

- بررسی های تاریخی نشان می دهد؛ که یک سیستم مالی و بانکی خوب، باید ویژگی های زیر را داشته باشد:
۱. بخش عمومی خوب و مدیریت مناسب بر بدهی آن: یک بخش مالی خوب باید اولویت ها را در هزینه عمومی تعیین نماید؛ درآمد کافی برای تأمین مالی آنها را به طور کارا فراهم سازد، و در صورت نیاز به قرضه ی عمومی، خدمات مربوط به آن را به شیوه ای ارائه نماید که اعتماد سرمایه گذاران و خریداران اوراق قرضه را جلب و آن را حفظ کند.
  ۲. نظام مالی باثبات: پول به عنوان واحد سنجش، وسیله مبادله، وسیله ذخیره ی ارزش، و ابزار پرداخت بدهی های معوقه، مفید می باشد. وظایف چهارگانه پول در صورت نوسان و کاهش پیش بینی نشده ارزش آن، مخدوش می شود و ریسک سرمایه گذاری را افزایش می دهد. نتیجه ی این امر، کاهش سرمایه گذاری و به دنبال آن، کاهش رشد اقتصادی است.
  ۳. وجود بانک های متنوع
  ۴. بانک مرکزی: بانک مرکزی از طریق تنظیم مقررات و اعمال نظارت بر بانک ها، از بسیاری از مشکلات جلوگیری نماید. به عبارتی می توان گفت استقلال بانک مرکزی برای ایجاد یک سیستم مالی خوب یک اصل اساسی است.
  ۵. بازار سهام خوب: بازارهای سهام انتشار اوراق قرضه خصوصی و دولتی و همچنین انتشار اوراق سهام خصوصی را تسهیل می کنند. (دادگر، ۱۳۸۸).

## بانکداری اجتماعی

تعاملات سنتی در تمامی حوزه‌ها از ارتباطات خانوادگی و خویشاوندی گرفته تا ارتباطات بازار کسب و کار در مدت زمان کوتاهی با ظهور اینترنت به صورت شبکه‌های اجتماعی برخط توسعه پیدا کرد و لحظه به لحظه به فراگیر شدن آن افزوده می‌شود. کاربران قبل از هر چیز برای ارتقای اطلاعات و ارتباطات خود به این ابزارها روی آوردند و بعد از گذشت مدتی نیازهای دیگری را احساس کردند، نیازهایی که قبلاً از مسیرهای سنتی آن را تهیه می‌کردند و اکنون مسیری با سهولت بالا و اطمینان کافی می‌تواند پاسخگوی درخواست خدمات برای همگان شود. حاضران در شبکه‌های اجتماعی برخط، رفتار منحصر به این حوزه دارند و نباید انتظار داشت با سیاست‌های جاری در فضای سنتی و غیرمجازی بتوان سرویس‌هایی در این فضا در اختیار کاربران قرارداد یا این فضای نوپا را با روش‌های قبل مدیریت کرد. لازم است راهبری جدی و مستقلاً برای اداره همه کسب و کارهای مرتبط با فضای مجازی ایجاد شود. بانک‌ها نیز با ارائه خدمات نوین بانکی که طی سال‌های گذشته در سطح بالایی ارائه کرده‌اند باید توجه خاصی به این فضای در حال رشد داشته باشند، بسیاری از بانک‌های پیشرو در خدمات نوین بانکداری الکترونیک اقداماتی داشته‌اند اما توجه به شناخت فضای اجتماعی مجازی، مناسبات مختص به خود را دارد و بانک‌ها باید این رفتارها، علایق، نیازها، رویکردها و ابزارهای موجود را بررسی و برای آن برنامه داشته باشند. بانکداری اجتماعی یا بانکداری مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی شامل یک بسته از خدمات قابل تعریف از سرویس‌های بانکداری سنتی اما این بار در شبکه‌های اجتماعی است، همچنین همراه با خدمات ارزش افزوده‌ای است که بانک‌ها قبل از این به صورت محدود به سپرده‌گذاران ارائه می‌دادند اما با توجه به امکاناتی که شبکه‌ها و ابزارهای برخط در اختیار قرار می‌دهند بانک‌ها نیز می‌توانند خدمات ارزش افزوده‌ای به مشتریان خود در هر سطحی ارائه کنند. شناسایی مشتری، دریافت اطلاعات، درک رفتار، بررسی سلیقه‌ها، تعامل، افزایش وفاداری و افزایش مشتری برخی از مزیت‌های راه‌اندازی بانکداری اجتماعی است. البته در برخی از مقالات از بانکداری اجتماعی به عنوان مفهومی از عملکرد بانک در حوزه مسوولیت اجتماعی یاد می‌شود و مشخص می‌کند که بانک‌ها باید به مسائل جاری در جامعه حساس باشند و به نوبه خود برای آن اقداماتی مهیا کنند و خود را همراه آن مسیر اجتماعی مثل محیط زیست، آسیب‌های اجتماعی، توانمندسازی معلولان و... بدانند. جالب اینجاست که فضای مجازی محور فعالیت‌های مربوط به مسوولیت اجتماعی گروه‌ها و اقسام مختلف شده است و همگان در تلاش‌اند بتوانند مخاطب بیشتر برای کمپین‌های اجتماعی و همچنین حامیان بیشتری برای اهداف خود از این مسیر تهیه کنند؛ بنابراین تفاوت مفهومی بین بانکداری در شبکه‌های اجتماعی و بانکداری با تمرکز بر فعالیت‌های اجتماعی در این نقطه به هم نزدیک می‌شود. نکته قابل توجه در این زیست‌بوم، از یک طرف فعالیت بی‌انتهای کارشناسان و تولیدکنندگان و استارت‌آپ‌های سرویس‌های مجازی به صورت نرم‌افزارهای تحت وب و موبایل و از طرف دیگر دیدگاه بلندمدت شرکت‌های بزرگی همچون توسن با باز کردن محدودیت‌های ارتباطی با هسته مرکزی خود برای توسعه این اکوسیستم برای رونق فعالیت‌های بانکداری اجتماعی است. اکنون می‌توان به میزان هر فکر نوآور برای سیستم‌های بانکی سرویس ایجاد کرد و به صورت استاندارد از هسته‌های اصلی بانکداری الکترونیک بانک‌ها استفاده کرد و در این مسیر همه نیازمندی‌ها و ضرورت‌ها دیده شده است. در این دنیای مدرن دیگر نیازی نیست کاربران از محلی به محل دیگر در فضای مجازی کوچ کنند تا بتوانند خدمات موردنیاز را دریافت کنند، در هر محیطی که کاربران به آن تعلق دارند می‌توانند خدمات بانکی خود را مدیریت کنند. کمک به دانش مدیریت مالی، آموزش بازار پول و سرمایه، داده‌کاوی روی عملکرد مالی شخص، ذخیره و حسابداری فردی، مقایسه مدل‌های هزینه‌ای در روز، کمک به رشد اقتصاد فرد و تجمیع مالی جمعی، گوشه‌ای از خدماتی است که در بانک‌های مبتنی بر شبکه‌های اجتماعی قابل ارائه است. امید که در زمان کوتاهی زنجیره متشکل از ارائه‌کننده خدمات، ابزارهای مجازی، توسعه‌دهندگان نرم‌افزار، قانون‌گذار و تنظیم‌کننده بازار و مشتریان فعال در فضای مجازی در این سیر تکامل زیست‌بوم بانکداری اجتماعی به هم متصل شده و همه به سهم خود از این اتفاق استفاده کنند. متأسفانه هم‌زمان با رشد شبکه‌های اجتماعی یک رویکرد دیگر هم توسط مخالفان مطرح شد و نگاه منفی به این فضا را دنبال کرد. نگاهی که بیشتر تاریکی‌های فضای مجازی را بیان می‌کرد، این نگاه موجب نگرانی بسیاری از کسب و کارها شد به طوری که تصور می‌کنند با یک چالش غیر قابل کنترل مواجه

می شوند و ترجیح می دهند این مسیر را طی نکنند، نکته ای که باید توجه کرد این است که در صورتی که ما در این فضا حضور رسمی نداشته باشیم ضمن کمک به تاریکی بیشتر این فضا، بازار قابل توجهی را از دست خواهیم داد. طی سال های اخیر با وجود قوانین مشخص و محکم و نهادهای نظارتی و قضایی موجود که قانون گذار آن را پیش بینی کرده است نگرانی از این جهت برای بانک ها و بنگاه های اقتصادی وجود نخواهد داشت (پایگاه خبری امنیت فناوری اطلاعات<sup>۱</sup>، ۱۳۹۶).

### بانک ها و مسئولیت اجتماعی

بانکها نقشی کلیدی در رونق اقتصادی هر کشور ایفا می کنند. نقش بانک به عنوان تسهیلگر و محرک چرخهای اقتصاد و تجارت، به عنوان نهاد مولد ثروت و همچنین به عنوان تامین کننده خدمات برای اجتماعات محلی، ملی و بین المللی حیاتی و غیر قابل انکار است. با توجه به مسئولیت عظیم بانک ها در توسعه اقتصادی اجتماعات، چه در سطح ملی و چه در سطح بین المللی، مسئولیت اجتماعی بانک ها در مقایسه با سایر بنگاههای فعال در عرصه صنعت و اقتصاد پررنگ تر است و در عین حال تاثیر مستقیم بر عملکرد مسئولانه سایر بنگاهها دارد. اگرچه بانک ها و بازارهای مالی در معرض نوسانات بازار هستند و با مشکلاتی از قبیل بدهی های پرداخت نشده و مسائل مربوط به ساختار ترازنامه مواجهند اما بانک ها موظفند با این مشکلات به صورت مسئولانه به مقابله بپردازند. به علاوه، بانک ها وظیفه دارند در قبال مشکلاتی که برای جامعه و شهروندان اجتماعی خود به وجود می آورند، پاسخگو باشند. در سال های گذشته، توجه به مسئولیت اجتماعی بنگاه ها به طرز چشمگیری افزایش یافته است و مسئولیت اجتماعی بنگاه از یک حس مسئولانه صرف به یک اولویت غیر قابل اجتناب در دستور کار مدیران مبدل گشته است. با توجه به اینکه همواره سیاست های بانکی در راستای سود رسانی به طبقات ثروتمند جامعه شکل گرفته است، توجه به طبقات آسیب پذیر و قشرهای کم درآمد و بیکار می تواند در تحقق مسئولیت اجتماعی بنگاهها نقش به سزایی داشته باشد. البته این گفته به معنای اعطای کمک های خیرخواهانه به این اقشار نیست بلکه به معنای ایجاد زیرساخت ها و محرک های لازم برای رشد و ارتقاء بنیادین وضعیت اجتماعی و اقتصادی جامعه می باشد. بانک ها و به طور خاص بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران می توانند از طریق تسریع رشد اقتصادی، ایجاد انگیزه در افراد به شناخت و درک توانمندی ها و استعدادهای بالقوه خود و برانگیختن اجتماعات به حمایت و پشتیبانی از چشم اندازهای مسئولانه خود به عنوان رهبر و پیشرو در پیاده سازی و اجرای نهضت مسئولیت اجتماعی بنگاه ها در کشور عمل نمایند. شکل گیری جنبش مسئولیت اجتماعی بنگاهها از دو عامل کلیدی ناشی می شود. اولین و مهمترین عامل، مسأله مربوط به تداوم کسب و کار و اثرات بلند مدت فعالیت بنگاه ها بر وضعیت اجتماعی و اقتصادی جوامع فعال در آنهاست. دومین عامل رشد آگاهی از نتایج و عواقب ناشی از تغییرات آب و هوای جهانی است. هیچ یک از این دو عامل به طور خاص موضوع جدیدی نیستند بلکه آنچه تازگی دارد توجه و استقبال احزاب و گروه های مختلف از این دو مقوله است. اگرچه، صنعت بانکداری برای مدتی طولانی، به عنوان بخشی با تاثیرات منفی زیست محیطی و اجتماعی قابل چشم پوشی در نظر گرفته می شد، اما موسسات مالی در سال های اخیر به وسعت دامنه فعالیت های اجتماعی و زیست محیطی قابل اجرا در موسسات خود پی برده اند. موسسات مالی علاوه بر نقشی که از طریق مدیریت و ارزیابی تاثیر عملکرد خود بر جامعه دارند، نقشی حیاتی و مهم در تشویق و انگیزش مشتریان خود به اقدام مسئولانه و کاهش اثرات سوء اجتماعی و زیست محیطی فعالیت های خود دارند. از آنجا که موسسات مالی نظارت و کنترل جریان سرمایه، وام دهی، تامین مالی پروژه ها و سیاست ها و اقدامات بیمه ای را بر عهده دارند، قادرند در نحوه عملکرد کسب و کارهای تحت حمایت خود اعمال نفوذ نمایند. مسائل و معضلات اجتماعی و زیست محیطی می توانند ریسک های سرمایه گذاری و اعتباری چشمگیری به همراه داشته باشند. از سوی دیگر، سازمان های غیردولتی NGO اند. این ها به طور جدی موسسات مالی را مورد نظارت قرار داده سازمان های مردمی موسسات مالی را تحت فشار قرار داده اند تا معیارهای خود در انتخاب مشتریان برای ارائه تسهیلات مالی را اصلاح کنند و از این طریق، اطمینان یابند که پروژه های مورد حمایت آنها اثرات سوء زیست محیطی، زیانها و بی عدالتی های اجتماعی یا سوء استفاده از حقوق انسانی را به همراه ندارند.<sup>۲</sup>

<sup>1</sup> <http://www.aftana.ir/fa/doc/note/97001>

<sup>2</sup> <http://www.shara.ir/view/22222>

### نهادینه سازی مسئولیت اجتماعی در صنعت بانکداری ایران

با توجه به اهمیت مسئولیت اجتماعی بنگاهها در عرصه ملی و بین المللی و با توجه به روند اجتناب ناپذیر جهانی شدن، صنعت بانکداری کشور ملزم است به منظور ارتقاء وضعیت اقتصادی و وجهه سیاسی کشور در سطح بین المللی و به منظور جلب اعتماد و حمایت سرمایه گذاران داخلی و خارجی، حرکت به سوی مقوله جهانی سرمایه گذاری و وام دهی مسئولانه را در دستور کار خود قرار دهد. در این راستا، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به عنوان نهاد تنظیمی و نظارتی بانک ها، موظف است با ایجاد زیرساخت های لازم جهت نهادینه سازی مسئولیت اجتماعی در بانک های کشور روند مسئولیت پذیری اجتماعی را در صنعت بانکداری و در پی آن سایر صنایع کشور تسهیل و تسریع نماید. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران می تواند با وضع قوانین و استانداردهای عملکردی مناسب برای نظارت بر فعالیت بانک ها از جنبه توجه به مسئولیت های اجتماعی به نظارت و کنترل بانک ها بپردازد. به عنوان مثال، می توان به برگزاری کنفرانس ها و سمینارهای مربوط به مسئولیت اجتماعی در صنعت بانکداری، ایجاد کمیته های مبارزه با رشوه، فساد مالی و پولشویی، الزام ارائه گزارش های سالانه مسئولیت اجتماعی برای بانک ها، الزام شفافیت و آشکار سازی اطلاعات بانکی به ذینفعان و همچنین قرار دادن استانداردهای مناسب برای بانک ها به عنوان مهمترین نهادهای سرمایه گذاری فعال در جامعه اشاره نمود. به علاوه، با توجه به اهمیت و ارزش روزافزون بانکداری اسلامی در دنیا و همچنین جلب توجه سرمایه گذاران و مشتریان به این نوع بانکداری، یکی از خطوط اصلی فعالیت های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران می تواند ارائه خدمات بانکی اسلامی در سطح داخلی و بین المللی باشد.<sup>۳</sup>

#### پیشینه تحقیق

پردهان و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۱۴) در مطالعه ای با استفاده از روش VAR برای تست علیت گرنجری، به بررسی رابطه بین توسعه بخش بانکداری، توسعه بازار سهام، رشد اقتصادی و چهار متغیر کلان اقتصادی در کشورهای ASEAN برای دوره ۲۰۱۲-۱۹۶۱ پرداختند. نتایج نشان داد توسعه بخش بانکی و توسعه بازار سهام و دیگر متغیرهای اقتصاد کلان در تعیین رشد اقتصادی بلندمدت تاثیرگذارند. همچنین توسعه بخش بانکی، توسعه بازار سهام، رشد اقتصادی و چهار متغیر کلیدی اقتصاد کلان هم انباشته اند و رابطه بلندمدت بین آنها وجود دارد.

راجان<sup>۵</sup> (۱۹۹۸) و زین گالس<sup>۶</sup> (۱۹۹۸) جهت رابطه علی را بین گسترش بازار مالی و رشد اقتصادی یافتند. آنها برای نمونه بزرگتری از کشورها در طی دهه ۱۹۸۰ دریافتند که گسترش بازار مالی رشد اقتصادی را تسهیل می کند (صمدی و همکاران، ۱۳۸۶).

رابینی<sup>۷</sup> (۱۹۹۲) و مارتین<sup>۸</sup> (۱۹۹۲) مدلی را توسعه می دهند که نشان می دهد که سرکوب مالی از طریق کاهش بهره وری سرمایه و پس انداز به رشد اقتصادی صدمه می زند. همه آنها نتیجه گرفتند که باید به دنبال آزادسازی مالی بود و همه اشکال دخالت عمومی در بازارهای مالی خلق ارزش نمی کند؛ بازارهای مالی بایستی آزاد سازی شوند، و اجازه داده شود که نرخ سود و بهره آزاد باشد (احسانی، ۱۳۸۳).

لوین<sup>۹</sup> (۲۰۰۰) برتری نظری و شواهد تجربی یک رابطه مثبت را بین گسترش بازار مالی و رشد اقتصادی نشان می دهد. قالی<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۸) در مطالعه ای برای اقتصاد تونس به این نتیجه رسید که رابطه بلندمدت بین توسعه مالی و رشد اقتصادی وجود دارد.

<sup>3</sup> <http://www.shara.ir/view/22222>

<sup>4</sup> Pradhan et. al

<sup>5</sup> Rajan

<sup>6</sup> Zingales

<sup>7</sup> Robine

<sup>8</sup> Martin

<sup>9</sup> Levine

<sup>10</sup> Ghali

جیمز<sup>۱۱</sup> (۲۰۰۸) در مطالعه‌ای برای اقتصاد مالزی نشان داد که توسعه‌ی مالی از طریق افزایش پس‌انداز و سرمایه‌گذاری خصوصی، موجب رشد اقتصادی بالا در کشور مالزی شده است. ریتاب<sup>۱۲</sup> (۲۰۰۷) در مطالعه‌ای برای کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا نشان داد که توسعه‌ی بخش بانکی سبب افزایش رشد اقتصادی می‌شود. همچنین رشد اقتصادی نیز توسعه‌ی بخش بانکی را موجب می‌شود. سلیمان و آمر<sup>۱۳</sup> (۲۰۰۷) در مطالعه اقتصاد مصر به این نتیجه رسیدند که توسعه‌ی مالی از طریق افزایش منابع برای سرمایه‌گذاری و افزایش کارآیی سرمایه‌گذاری سبب رشد اقتصادی در این کشور می‌شود. کینورگیس و اسمیت<sup>۱۴</sup> (۲۰۰۷) در بررسی داده‌های فصلی اقتصاد لهستان برای دوره‌ی ۲۰۰۴-۱۹۹۴ به این نتیجه رسیدند که اعتبارات و تسهیلات اعطایی به بخش خصوصی نیروی اصلی رشد اقتصادی است. لذا توسعه مالی اثر مثبتی بر رشد اقتصادی دارد.

دیانتی دیلمی و همکاران (۱۳۹۵) مطالعه‌ای با عنوان تاثیر نوع بانک بر گزارشگری مسئولیت اجتماعی بانک‌ها: رویکرد اخلاقی انجام دادند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بین بانک‌های بخش خصوصی و بخش دولتی در گزارشگری اینترنتی مسئولیت اجتماعی و در اندازه‌گیری اینترنتی ارقام کمی تفاوت معناداری وجود دارد، همچنین نتایج این پژوهش نشان دهنده این است که بین بانک‌های دولتی و خصوصی از نظر اهمیت قائل شدن برای گزارشگری مسئولیت اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد.

ورهرامی و همکاران (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین رشد اقتصادی، توسعه بخش بانکی و متغیرهای کلان اقتصادی با استفاده از روش Panel Var مطالعه موردی کشورهای گروه D8 پرداختند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که میزان اعتبارات اعطایی به بخش بانکی و میزان اعتبارات اعطایی به بخش خصوصی اثر منفی بر رشد اقتصادی در دوره مورد بررسی داشته است. همچنین عرضه پول، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و درجه باز بودن تجاری اثر مثبتی بر رشد اقتصادی داشته و متغیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیشترین اثر را نسبت به سایر متغیرهای مدل بر رشد اقتصادی کشورهای گروه D8 در سال‌های مورد بررسی داشته است.

جعفری صمیمی و همکاران (۱۳۸۸) با استفاده از روش خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی (ARDL) به بررسی تاثیر همزمان نسبت حجم نقدینگی به تولید ناخالص داخلی، متغیر سپرده‌های دیداری بانک‌ها نزد بانک مرکزی و آزادی تجاری بر رشد اقتصادی در ایران پرداخته‌اند. نتایج به دست آمده از مطالعه ایشان نشان می‌دهد که تاثیر متغیر نسبت حجم نقدینگی به تولید ناخالص داخلی بر تولید ناخالص داخلی ایران مثبت و معنی‌دار بوده و متغیر آزادسازی تجاری نیز بر تولید ناخالص داخلی ایران تاثیر مثبت و معنی‌داری داشته است. متغیر سپرده‌های دیداری بانک‌ها نزد بانک مرکزی نیز دارای تاثیر جزئی بر تولید ناخالص داخلی ایران بوده و به لحاظ آماری نیز معنی‌دار نمی‌باشد.

#### روش تحقیق

در این تحقیق روش مطالعه توصیفی تحلیلی است. به طوری که در این اثر کوشش شده تا با روش اسنادی به تجزیه و تحلیل نقش بانک‌ها در توسعه اقتصادی و اجتماعی در محتوای نظری و علمی پرداخته شود، تا بتوان نقش بانک‌ها را در زمینه اقتصادی و اجتماعی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.

#### نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در چرخه فعالیت‌های اقتصادی هر کشوری سه نوع بازار وجود دارد و وظیفه جریان درآمدی و پولی اقتصاد آن کشور را بر عهده دارد. این بازار عبارتند از بازار عوامل تولید، بازار کالاها و خدمات و بازار مالی. هر یک از این بازارها همچون چرخ دنده‌های ماشین اقتصاد هستند که ناکارآمدی هر یک از آنها جریان و حرکت دیگری را نیز تحت الشعاع قرار می‌دهد. بازار مالی خود

<sup>11</sup> James

<sup>12</sup> Ritab

<sup>13</sup> Suleiman and Aamer

<sup>14</sup> Kenourgios and Samitas

دو بخش بازار پول و سرمایه را شامل می‌شود. این بازار در چارچوب نظام مالی کشور فعالیت می‌کند. نظام مالی یک کشور مجموعه‌ای از بنگاه‌ها، بازارها، قوانین و مقررات و تکنیک‌هایی است که در آن اوراق قرضه، سهام و سایر اوراق بهادار معامله می‌شوند و بدین گونه در سراسر دنیا گسترش یافته‌اند. شبکه بانکی، بورس اوراق بهادار، مؤسسات بیمه، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، مؤسسات مالی - اعتباری و نهاد‌های مشابه، در مجموع سازمان‌هایی هستند که بخش مالی اقتصاد کشور را تشکیل می‌دهند. بخش مالی به مجموعه‌ای از نهادها و سازمان‌هایی گفته می‌شود که عمدتاً به تجهیز منابع و تخصیص اعتبار می‌پردازند. تردیدی وجود ندارد که برای رشد فعالیت‌های اقتصادی نیازمند سرمایه‌گذاری هستیم و زمانی درآمد ملی افزایش می‌یابد که در اقتصاد به اندازه کافی سرمایه‌گذاری شده باشد. افزایش سرمایه‌گذاری نیز به نوبه خود مستلزم تجهیز منابع مالی بیشتر است و این وظیفه بر عهده بخش مالی است لذا نقش بانک‌ها در توسعه اقتصادی و اجتماعی از پیش نیازهای اصلی جهت رشد اقتصادی و افزایش رفاه اجتماعی است. بطور کلی می‌توان اظهار داشت که توسعه بازار مالی و بانکی یکی از کلیدهای دستیابی به رشد بلندمدت اقتصاد است. بازار مالی و بانکی در صورتی می‌تواند منجر به رشد اقتصادی شود که بتواند زمینه مناسب جهت تخصیص بهینه منابع را فراهم ساخته و سبب افزایش کارایی سرمایه شود. رشد غیرتورمی بلندمدت اقتصادی، افزایش تولید و اشتغال، نیازمند تجهیز منابع مالی و تخصیص بهینه آنها در اقتصاد ملی است و این مهم با کمک بازارهای مالی سازمان‌یافته و متشکل و کارآمد که در آن تنوع ابزارهای مالی، ایجاد فضای رقابتی و شفافیت اطلاعات وجود دارد میسر خواهد بود؛ زیرا کارآمدی بانک‌ها مستلزم روان‌سازی معاملات و افزایش نقدینگی و فراهم نمودن شرایط مدیریت ریسک است. و این مهم می‌بایست در تدوین سیاست‌های کلان اقتصادی که توسعه مالی را هدف دارد مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گیرد. لذا ایجاد یک بخش بانکی داخلی متمرکز و اساسی یک اولویت برای بازارهای نوظهور و در حال توسعه به حساب می‌آید، چراکه یک بخش بانکی متمرکزتر نه تنها به جلوگیری از کاهش‌های ناگهانی تولید کمک می‌کند بلکه از کاهش بلند مدت نرخ‌های رشد که به واسطه همین کاهش تولید ایجاد می‌شود نیز ممانعت به عمل خواهد آمد.

از طرفی با توجه به رشد روزافزون کاربران رسانه‌های اجتماعی لازم است که بانک‌ها هرچه سریع‌تر، این کانال نوظهور را دریابند. با این وجود نباید شتابزدگی و بی‌پروایی جایگزین احتیاط شود، چراکه رسانه‌های اجتماعی می‌توانند به شدت روی شهرت سازمانی و برند بانک تأثیر بگذارند. بانک‌ها نیازمند درکی شفاف از عناصر کلیدی در توسعه رسانه‌های اجتماعی و اتخاذ یک نقشه راه و یک استراتژی مناسب به همراه زمینه‌سازی فرهنگی در حوزه رسانه اجتماعی هستند.

در این مطالعه ابتدا به بررسی نقش بانک‌ها در توسعه اقتصادی و اجتماعی پرداخته در ادامه با ارائه جایگاه بانک‌ها در ارتباط با توسعه اقتصادی و اجتماعی پیشنهادت زیر ارائه می‌شود:

۱. تسریع در روند خصوصی سازی و اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی از طریق قیمت گذاری، پذیره نویسی و فروش سهام شرکت‌های دولتی.
۲. کمک به ادغام شرکت‌های سهامی خاص و تبدیل آنها به سهامی عام در جهت افزایش بازده نسبت به مقیاس شرکت‌های مذکور.
۳. کنترل تقاضای نقدینگی پول و حرکت نقدینگی از بازار پول به بازار سرمایه و تأثیرگذاری در جلوگیری از افزایش قیمت‌ها و تورم.
۴. توسعه فعالیت‌های اشتغال‌زایی بخش خدمات مالی در کشور.
۵. توسعه و توزیع نهاد‌های مالی در بازار سرمایه ایران.
۶. ایجاد ارتباط با صندوق‌های سرمایه‌گذاری به عنوان ابزاری نوین در بازارهای مالی.
۷. مشاوره به شرکت‌های بزرگ بازار سرمایه جهت تخصیص بهینه تر منابع مالی.
۸. کاهش انگیزه فعالیت‌های سفته بازی در بازار پول.
۹. ایجاد رقابت و همکاری در بازار سرمایه و پویایی این بازار.



منابع

۱. احسانی، محمدعلی (۱۳۸۳). واسطه‌های مالی و رشد اقتصادی در ایران، پژوهشکده پولی و بانکی، صص ۱-۲۰.
۲. جعفری صمیمی، احمد؛ فرهنگ، صفر؛ رستم زاده، مهدی؛ محمدزاده، مهدی (۱۳۸۸). تاثیر توسعه مالی و آزادسازی تجاری بر رشد اقتصادی ایران. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، ۴: ۱-۲۱.
۳. دیانتی دیلمی، زهرا؛ منطقی، خسرو؛ علی اصفهانی، یاسمن (۱۳۹۵). تاثیر نوع بانک بر گزارشگری مسئولیت اجتماعی بانک‌ها: رویکرد اخلاقی. فصلنامه اخلاق در علوم فناوری، سال ۱۱، شماره ۴، صص ۱-۱۱.
۴. سعیدی، پرویز (۱۳۸۸). ارزیابی نقش تسهیلات شبکه بانکی در رشد اقتصادی. فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، ویژه‌نامه بانک، شماره ۶، صص ۱۹۳-۱۶۷.
۵. شیخ‌زاده، ابراهیم؛ سلطانی، زهرا (۱۳۸۵). سیاست‌های پولی و بازار سرمایه نقاط قابل رقابت. مجموعه مقالات همایش اقتصاد ایران در گام نهم، جلد اول، صص ۶۸۳.
۶. صمدی سعید؛ نصرالهی، خدیجه؛ کرمعلیان سیچانی، مرتضی (۱۳۸۶). بررسی رابطه بین توسعه بازار مالی و رشد اقتصادی، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال ششم، شماره ۳.
۷. ورهرامی، ویدا؛ جواهردهی، سمانه؛ دشتیان فاروجی، سحر (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین رشد اقتصادی، توسعه بخش بانکی و متغیرهای کلان اقتصادی با استفاده از روش Panel Var مطالعه موردی کشورهای گروه D8. فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق) دوره ۱۲، شماره ۴، صص ۶۵-۳۹.
8. Ghali, Khalifa H, (1999), Financial Development and Economic Growth: The Tunisian Experience, Review of Development Economics, vol. 3, issue 3, pages 310-22.
9. <http://www.aftana.ir/fa/doc/note/۹۷۰۰۱>
10. <http://www.shara.ir/view/22222>
11. James B. Ang, (2008), What are the mechanisms linking financial development and economic growth in Malaysia, Economic Modeling, Volume 25, Issue1, January, pp.38-53.
12. Kenourgios Dimitris and Samitas Aristeidis, (2007), Financial Development and Economic Growth in a Transition Economy: Evidence for Poland, Journal of Financial Decision Making, Vol. 3, No. 1, pp. 35-48.
13. Levine Ross and Demirguc-Kunt, Asli, (2008), Finance, Financial Sector Policies, and Long Run Growth, World Bank, Policy Research Working Paper 4469.
14. Ritab S. Al-Khouri, (2007), Financial Sector Development and Sustainable Economic Growth in Regionally Co-Integrated Emerging Markets, Advances in Financial Economics, Volume 12, pp.345-360.
15. Rudra P. Pradhan, Mak B. Arvin, John H. Hall, Sahar Bahman. (2014). Causal Nexus Between Economic Growth, Banking Sector Development, Stock Market Development, and Other Macroeconomic Variables: The case of ASEAN countries, Review of Financial Economics, 6(5): 155-173.
16. Suleiman Abu-Bader, and Aamer S. Abu-Qarn, (2008), Financial development and economic growth: The Egyptian experience, Journal of Policy Modeling, Article in vol. 30, issue 5, pages 887-898.